کشف قارچ‌های اعتیادآور در پایتخت

قارچ‌های اعتیادآور معروف به ماشروم در شرق تهران کشف شد.

به گزارش میزان، ماده مخدر ماشروم یا قارچ جادویی در میان نسل جوان در حال مصرف است. این ماده مخدر قدرت توهم‌زایی بالایی دارد و حدود ۳۰ دقیقه پس از شروع مصرف، علائم توهم‌زایی آن شروع شده و حدود چهار تا شش ساعت این اثرات باقی می‌ماند.

به گفته کارشناسان، اثرات توهم زایی قارچ می‌تواند به صورت لذتبخش یا عذاب‌آور باشد. همچنین این ماده با تحریك اعصاب سمپاتیك موجب افزایش ضربان قلب و فشار خون شده و گشادی مردمك‌های چشم را همراه دارد.

یك مقام پلیس مبارزه با مواد مخدر در این‌باره گفت: در بازرسی از خانه‌ای در شرق تهران تعدادی قارچ اعتیادآور کشف شده است. این قارچ‌ها به قارچ‌های ماشروم معروف است و برای مصرف‌کننده اعتیاد ایجاد می‌کند.

شك نوعروس راز باند سرقت را فاش کرد

انتقام عجیب از مردان هوسران

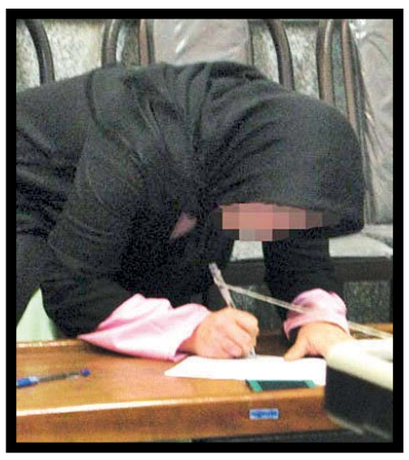

شك نوعروس به رفتارهای شوهرش، پرده از راز فعالیت مجرمانه باند عمه فرح برداشت. زن تبهکار برای انتقام از مردان هوسران، آنها را معتاد می‌کرد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، روزهای پایانی هفته گذشته، نوعروس ۲۶ ساله‌ای با حضور در پلیس آگاهی تهران با شکایت از شوهرش گفت: شوهرم کارمند بود، اما مدتی است که گل و شیشه مصرف می‌کند. چند بار از کمپ بیرون آمد و دوباره مصرف مواد را شروع کرد. شب‌ها دیر به خانه می‌آمد و علت دیرآمدنش را با بهانه‌های واهی اعلام می‌کرد. او ساعت‌ها تلفنی حرف می‌زد و سرش مدام در کانال‌های تلگرامی بود، مشکوك شدم که نکند درحال خیانت به من است. یك روز که به حمام رفت، تلفنش را بررسی کردم، حدسم به یقین تبدیل شد. او تلگرامی با زنی در ارتباط عاشقانه بود. آن زن در پیام‌های تلگرامی از او خواسته بود که چند ضبط و پنل خودرو را در محله‌های تهران سرقت کند و برایش بیاورد که همان موقع پی بردم که علت دیرآمدنش گرفتارشدن او در کار خلاف بوده است. من از شوهرم و آن زن شکایت دارم.

ماموران در بازبینی گوشی تلفن همراه شوهر شاکی پی‌بردند ماجرا درست بوده و شوهر این زن سارق است که این مرد با دستور قضایی بازداشت شد.

مرد ۲۷ ساله در تحقیقات با اعتراف به عضویت در باند تبهکاری عمه فرح در اظهاراتش گفت: مدتی پیش با فرح .که زنی حدود ۴۵ ساله بود. در اینستاگرام آشنا شده و در پی ملاقات‌هایمان به او علاقه‌مند و به خانه‌اش در جنوب تهران رفته و در خانه او معتاد شدم و گل و شیشه مصرف می‌کردم. من به خاطر وابستگی‌ام به او هر چه می‌گفت و می‌خواست انجام می‌دادم و با دستور او برایش سرقت انجام می‌دادم. با چند عضو باند گروه او همراه شدم و بعد از آموزش سرقت، دزدی لوازم خودرو را انجام می‌دادم.

با اعتراف وی، عمه فرح که متواری بود، دو روز پیش همراه سه عضو باندش در خانه‌ای در جنوب تهران، بازداشت شد. در بازرسی از آنجا بخشی از اموال دزدی کشف شد و آنها به جرایم‌شان اعتراف کردند.

عمه فرح سرکرده باند در تحقیقات پلیسی گفت: ۱۵سال پیش با مردی عاشقانه ازدواج کردم، اما او پنج سال پیش دل در گرو زنی داد و به من خیانت کرد. او مرا گرفتار شیشه کرده و بعد از طلاقم متواری شد. بعد از این ماجرا از مردها متنفر شدم و تصمیم به انتقام از مردان هوسران گرفتم و با طرح دوستی با مردان متأهل فریبشان داده و از آنها پول می‌گرفتم و متواری می‌شدم.

وی افزود: در ادامه تصمیم گرفتم دامنه انتقامم را بیشتر کنم. با مردان جوان در اینستاگرام و کانال‌های تلگرامی آشنا شدم و ارتباط دوستانه با آنها برقرار می‌کردم. در ادامه به خانه‌ام که پاتوق بود، دعوتشان می‌کردم و کم‌کم این مردان جوان را با شیشه و گل معتاد می‌کردم. چون خودم در کار خرید و فروش مال دزدی بودم این قربانیان را مجبور می‌کردم برای تامین هزینه اعتیادشان و این‌که اجازه دهم در خانه‌ام مواد بکشند، برای من لوازم داخل خودرو و گوشی سرقت کنند.

اعضای این باند در بازداشت به سر می‌برند و تحقیقات برای رازگشایی از دیگر جرایم‌شان ادامه دارد.

> عمه فرح بعد از این‌که شوهرش به او خیانت کرد تصمیم گرفت با فریب مردان متأهل آنها را معتاد کند تا به این شیوه انتقام خود را از هوسران‌ها بگیرد

پسر جوان پس از فریب دختر جوان، او را آزار داد

دام سیاه برای دختر نخبه

نخبه ایرانی که در کانادا تحصیل می‌کرد، وقتی سوار خودروی گرانقیمت پسر جوان شد نمی‌دانست قربانی توطئه شوم پسر شیطان‌صفت می‌شود.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، جمعه‌شب گذشته مهتاب ۲۹ ساله با مراجعه به کلانتری لویزان از پسر جوانی به نام پیمان به اتهام آزار و اذیت شکایت کرد. مهتاب در اولین ادعای خود گفت: «جمعه‌شب پسری که به‌تازگی با او آشنا شده بودم، با فریب من را به مقابل در خانه‌شان کشاند و بعد به زور دستانم را گرفت و به خانه کشید و مورد آزار و اذیت قرار داد. من به‌تازگی از کانادا برگشته‌ام و بیشتر سال‌های عمرم را در ایران نبودم. برای همین نتوانستم متوجه آدرس خانه شوم و فقط فهمیدم حوالی ستارخان بود.»

دختر جوان شماره پلاك خوروی گرانقیمت پسر جوان را در خاطر سپرده بود و به پلیس اعلام کرد. متهم با توجه به اطلاعات خودرویش شناسایی و مهتاب برای تکمیل پرونده راهی پزشکی قانونی شد. گزارش معاینه پزشکی قانونی حاکی از تایید آزار و اذیت دختر جوان بود و کبودی‌های وسیع در بدن مهتاب و مچ دستانش گزارش شد.

پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری یك استان تهران ارجاع شد و مهتاب روز گذشته در اولین جلسه تحقیقات مقدماتی رو به رئیس شعبه دوازدهم گفت: «دانشجوی فوق دکترای رشته ریاضی در یکی از دانشگاه‌های ونکوور کانادا هستم و دکترای همین رشته را در یکی از دانشگاه‌های معتبر ایران گرفته‌ام. دفاع دکترای من هنوز انجام نشده بود و برای همین سه هفته قبل به ایران آمدم تا بتوانم مدارکم را تکمیل کنم و به کانادا برگردم، اما با این‌که وقت محدودی برای انجام کارهایم داشتم، کارم با مشکل روبه‌رو شد و خیلی ناراحت و نگران شده بودم. در همان حال در خیابان انقلاب مشغول صحبت تلفنی با یکی از دوستانم بودم و از شدت استیصال گریه می‌کردم که یکدفعه پیمان با بنز اس۵۰۰ جلوی پایم ایستاد و علت حال بدم را جویا شد. رفتار او خیلی مودبانه بود و من را به نوشیدن یك آبمیوه دعوت و با من همدردی کرد و سعی کرد آرامم کند. بعد هم با این‌که خانه ما از خانه آنها فاصله خیلی زیادی داشت من را به خانه رساند و شماره من را گرفت تا بار دیگر همدیگر را ببینیم.»

مهتاب در مورد روز حادثه گفت: «چند روز بعد از اولین دیدار با پیمان بود که او با من تماس گرفت و با هم قرار گذاشتیم. در ماشین او نشستم و مشغول صحبت شدیم. او به من گفت باید وسیله‌ای را که در خانه‌شان جا گذاشته بردارد و از من خواست چند دقیقه جلوی در خانه‌شان منتظر بمانم. من جلوی در خانه ایستادم، اما یکدفعه پیمان مچ دستانم را گرفت و به زور من را به داخل خانه‌شان کشاند و مورد آزار و اذیت قرارم داد.»

مهتاب که به‌شدت گریه می‌کرد، رو به قاضی گفت: «آقای قاضی من در تمام طول عمرم حتی یك قرص سرماخوردگی هم نمی‌خوردم. حالا دو سه روز است که با قوی‌ترین داروهای اعصاب سرپا هستم. برای همین ترجیح می‌دهم این پرونده را پیگیری کنم و بعد به کانادا برگردم.»

پس از رسیدگی مقدماتی به این پرونده، قاضی دادگاه دستور دستگیر پسر آزارگر را صادر کرد.

پسر جوان ۶ روز در کمپ ترک اعتیاد زندانی بود

توطئه خانوادگی برای ربودن تاجر ایرانی-آمریکایی

تاجر ایرانی پس از بازگشت از آمریکا، با توطئه پدر و عمویش به کمپ ترك اعتیاد برده و در آنجا زندانی شد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، اوایل آبان امسال زنی با حضور در دادسرای جنایی تهران با طرح شکایتی اعلام کرد؛ پسر ۳۷ ساله‌اش از خانه‌شان بیرون رفته و دیگر بازنگشته و تلفن‌همراهش نیز خاموش بوده و تاکنون موفق به یافتن وی نشده است. با دستور بازپرس جنایی، تحقیقات پلیس آگاهی تهران برای یافتن ردی از جوان ناپدید شده آغاز شد. در جریان تحقیقات پلیسی معلوم شد که این جوان به‌تازگی نامزد کرده، دارای گرین کارت آمریکا بوده و تاجر است و مدام به آمریکا رفت‌وآمد دارد.

با گذشت شش روز از این ماجرا، مردی با پلیس تهران تماس گرفت و اطلاع داد که مدیر یك کمپ است و هنگام مراجعه به کمپ همکارش در محله تهرانپارس متوجه شده که جوانی در آنجا غیرقانونی محبوس شده و کمك می‌خواهد. با جمع‌بندی این اطلاعات ماموران با هماهنگی قضایی به کمپ مورد نظر رفتند و مرد جوان را که دست و پا بسته در اتاقی زندانی شده و آثار ضرب و جرح و شکنجه روی بدنش بود را نجات دادند.

ماموران در تحقیقات متوجه شدند که پسر جوان همان جوان تاجر گمشده است که مادر و نامزدش ناپدیدشدن وی را به پلیس گزارش داده بودند. همچنین در تحقیقات اولیه از مسؤولان کمپ معلوم شد که سه نفر از کارکنان آنجا با دستور دو مرد که می‌گفتند جوان تاجر معتاد بوده و باید ترك کند او را از خانه‌ای در شمال تهران به کمپ آورده و بستری کردند. بنابراین با دستور قضایی آن سه کارمند کمپ بازداشت شدند.

ماموران به تحقیق از فرد نجات یافته پرداختند که وی در جریان تحقیقات پلیسی گفت: والدینم چند سالی است که از هم جدا شده‌اند. هر وقت از آمریکا به ایران می‌آمدم و فرصت دست می‌داد، برای دیدن پدرم به خانه‌اش در حوالی محله ملاصدرای تهران می‌رفتم. آن شب برای دیدن پدرم به خانه‌اش رفتم. ساعاتی در آنجا بودم که زنگ در آپارتمان او به صدا درآمد. عمویم بود. نیم ساعتی ماند و در حال حرف زدن با هم بودیم که دوباره زنگ در خانه به صدا درآمد. عمویم در را باز کرد و دقایقی بعد سه مرد غریبه وارد خانه پدری‌ام شدند.

وی افزود: آنها نام مرا پرسیدند و وقتی مطمئن شدند خودم هستم، سمتم آمدند و با دستور عمو و پدرم مرا کتك زدند، دست و پایم را با طناب بستند و با خارج کردن از خانه داخل آمبولانسی انداخته و با خودشان بردند. هر چه التماس کردم رهایم کنند، بی‌فایده بود. ساعاتی بعد مقابل یك کمپ ترك اعتیاد توقف کردندو مرا دست و پا بسته به آنجا بردند. شش شبانه‌روز مرا شکنجه دادند و کتکم زدند، آزمایش‌های مختلف از من گرفتند و مدعی بودند که معتادم و باید مدت سه ماه برای ترك در این مکان بمانم. اگر در برابرشان مقاومت کنم، دوباره شکنجه‌ام می‌دهند. در شرایط بدجسمی و روحی در آنجا به سر می‌بردم، تا این‌که یك روز مردی متوجه حال و روزم شد و برای نجاتم با پلیس تماس گرفت. عمو و پدرم با این توطئه خانوادگی می‌خواستند کاری کنند که مرا معتاد و دیوانه نشان دهند تا بتوانند با این ترفند اموال و دارایی‌ام را تصاحب کنند. اکنون از آنها و این سه مرد که مرا ربوده‌اند شکایت دارم.

با توجه به گفته‌های او ماموران به تحقیق از سه آدم‌ربای بازداشت شده پرداختند که معلوم شد آنها از ماجرای توطئه خانوادگی خبری نداشتند و گمان می‌کردند این جوان تاجر طبق گفته پدر و عمویش معتاد به شیشه است به همین خاطر او را برای ترك به کمپ منتقل کرده‌اند.

در جریان تحقیقات، عمو و پدر جوان ربوده شده بازداشت شده و در تحقیقات پلیسی مدعی شدند که پسر تاجر معتاد به شیشه بوده و چون اذیتشان می‌کرده نام او را به کمپ ترك اعتیاد داده‌اند تا کارکنان آنجا و او را برای ترك اعتیادش به کمپ منتقل کنند.

برای پنج متهم پرونده قرار قانونی صادر شده و تحقیقات از آنها ادامه دارد.

> تاجر ایرانی - آمریکایی مدعی است پدر و عمویش در توطئه خانوادگی او را در کمپ ترک اعتیاد زندانی کرده‌اند

راز ۱۰ ساله اسکلت در انباری

دختر ۲۶ ساله که ده سال قبل پدرش به طرز مشکوکی به قتل رسیده بود، پس از شناسایی نشدن قاتل، درخواست دریافت دیه او از بیت‌المال را مطرح کرد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، آبان ۸۸ بود که مالك یك آپارتمان مسکونی در خیابان قصرالدشت تهران با پلیس تماس گرفت و خبر از کشف اسکلت یك انسان در انباری خانه‌اش داد.

او در توضیح ماجرا به ماموران پلیس گفت: «سال گذشته دو مرد میانسال خانه من را اجاره کرده بودند و بعد از یك سال به درخواست خودشان، ودیعه‌شان را برگرداندم و خانه را خالی کردند و تا حالا هم خالی بود. روز گذشته وقتی یك مشتری در حال بازدید آپارتمان بود، من بعد از حدود یك‌سال و نیم در انباری را باز کردم و دیدم کف آنجا کنده شده و پتویی وسط انباری است. وقتی پتو را برداشتم و خاك را کنار زدم با اسکلت بر جا مانده از یك انسان روبه‌رو شدم که مشخص است خیلی وقت پیش به قتل رسیده و جسدش در انباری دفن شده است.»

در بررسی‌های بعدی با آزمایش دی‌ان‌ای، مشخص شد که جسد متعلق به مسعود یعنی آخرین مستاجر همان خانه است. تحقیقات برای شناسایی آغاز شد اما با گذشت نزدیك به ده سال از وقوع قتل، ردی از قاتل پیدا نشد.

تنها دختر مسعود روز گذشته در شعبه ۱۲ دادگاه کیفری استان تهران حاضر شد و با درخواست دیه از بیت‌المال رو به رئیس شعبه گفت: «یك‌ساله بودم که پدر و مادرم از هم جدا شدند. از همان موقع خیلی کم پدرم را می‌دیدم. آخرین بار او را سال ۸۶ دیدم و دو سال بعد متوجه شدم که به قتل رسیده است.»

پرونده دو ولی دم داشت که یکی از آنها دختر مسعود و دیگری مادر مسعود بود. با مرگ مادر مسعود در سال قبل حالا ورثه او یعنی خواهر و برادران مسعود، اولیای دم پرونده هستند. قاضی با توجه به درخواست دیگر اولیای دم برای بازبودن پرونده، درخواست دختر مقتول برای پرداخت دیه از بیت‌المال را رد کرد.

تلنگر

سقوط مرگبار مردی در دستگاه

کارگر کارخانه لوله‌گستر بر اثر سقوط در دستگاه تراش ماندریل فوت کرد.

سرهنگ جاوید مهری، فرمانده انتظامی شهرستان اسفراین به سایت پلیس گفت: یکی از کارکنان کارخانه لوله‌گستر شهر اسفراین با پلیس تماس گرفت و از حادثه هنگام کار برای یکی از همکارانش خبر داد. ماموران با حضور در آنجا و بررسی‌های اولیه متوجه شدند این مرد هنگام کار با دستگاه تراش ماندریل به داخل دستگاه سقوط کرده و مصدوم شده است. او به دلیل شدت صدمات در بیمارستان فوت کرد.

بازداشت کلاهبردار ۱۶ میلیاردی

مردی که با راه‌اندازی دو شرکت دروغین اقدام به کلاهبرداری ۱۶ میلیارد تومانی کرده بود، بازداشت شد.

به گزارش جام‌جم، سردار محمدکاظم تقوی، فرمانده انتظامی استان خراسان رضوی در این باره گفت: در گزارش‌های مردمی به ستاد خبری پلیس آگاهی اعلام شد که فردی با ثبت دو شرکت اقدام به کلاهبرداری و اخلال در نظام اقتصادی کرده است.

همزمان با تحقیقات پلیسی معلوم شد این فرد، علاوه بر ثبت دو شرکت دروغین، همچنین با درج آگهی‌هایی در روزنامه‌های کثیرالانتشار و جعل پرینت‌های رنگی از حساب‌های مشتریان مبنی بر پرداخت وجه به حساب شرکت اقدام به جذب مشتری و سرمایه‌گذاری برای انجام فعالیت اقتصادی درحوزه مسکن کرده است.

وی افزود: در جریان تحقیقات پلیسی معلوم شد که این متهم، ۳۴۵ شهروند را از طریق آگهی‌های منتشره به عنوان مشتری در یك طرح بزرگ مسکونی در منطقه غرب مشهد جذب و بدون اطلاع آنها اقدام به فروش ملك و کلاهبرداری از آنها کرده است. متهم که تحت تعقیب پلیس بود، شناسایی و سرانجام در مخفیگاهش بازداشت شد. متهم در تحقیقات پلیسی اعتراف کرده بود که پس از عقد قراردادها و بدون در نظر گرفتن نظر سهامداران اقدام به فروش واحدها کرده است. بررسی‌ها نشان می‌داد او با این ترفندها، ۱۶ میلیارد تومان کلاهبرداری کرده است.

هلاکت عامل قتل عام خانوادگی

مردی که سه نفر از اعضای خانواده خودش را در فنوج به قتل رسانده بود، در درگیری مسلحانه با پلیس به هلاکت رسید.

سرهنگ غلامرضا نورا، فرمانده انتظامی شهرستان دلگان به خبرگزاری صدا و سیما گفت: بیستم خرداد امسال مردی بر سر اختلافات خانوادگی با شلیك اسلحه، خواهر ۱۷ساله، مادر ۴۵ ساله و مادربزرگ ۶۲ ساله خود را که هر سه ناتنی بودند در شهرستان فنوج به قتل رساند و از آن زمان متواری شد. پلیس در جست‌وجوی او بود تا این‌که با گذشت بیش از پنج ماه ازوقوع این جنایت خانوادگی، متهم به قتل فراری که در یکی از روستاهای دلگان پنهان شده بود، شناسایی شد. در این مرحله تیم عملیات ویژه پلیس آگاهی به آنجا اعزام شدند و مخفیگاه وی را محاصره کردند.

وی افزود: این قاتل ۳۲ ساله مسلح پس از محاصره از سوی پلیس اقدام به تیراندازی به سمت ماموران کرد که ماموران نیز به سمت او شلیك کردند که در جریان این درگیری عامل جنایت از سوی پلیس به هلاکت رسید. ماموران در بررسی مخفیگاه او یك قبضه کلاش و ۶ تیغه خشاب با ۵۲ فشنگ کشف کردند.

مرگ خاموش زوج جوان

زوج جوانی که در ده کیلومتری نهبندان چادر زدنده بود، بر اثر گازگرفتگی فوت شدند.

سرهنگ حیدری، معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان خراسان جنوبی به سایت پلیس گفت: فردی با پلیس تماس تلفنی گرفت و اطلاع داد که زوج مسافری در ده‌کیلومتری جاده‌ای منتهی به مسجد حضرت ابوالفضل(ع) شهرستان نهبندان چادر بنا کرده بودند که در آنجا دچار گازگرفتگی شده‌اند. ماموران پلیس با حضور در آنجا مشاهده کردند این زوج برای استراحت چادری در آنجا بنا کرده و با روشن کردن گاز پیك نیك قصد گرم کردن چادر را داشتند که دچار گازگرفتگی شده و فوت کردند. اجساد زن ۲۳ ساله و شوهر ۲۴ساله به پزشکی قانونی منتقل شد.